

The Relationship Between Alexithymia and Marital Instability: The Moderating Role of Communication Patterns

Parichehr Yavarizadeh¹, Roya Rasouli², Abbas Abdollahi³

1. Phd student in Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran. yavarizadehp@gmail.com
2. (Corresponding Author), PhD in Counseling, Associate Professor, Counseling Department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Alzahra University, Tehran, Iran. r.rasouli@alzahra.ac.ir
3. PhD in Counseling, Assistant Professor, Counseling Department, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran. a.abdollahi@alzahra.ac.ir

ABSTRACT

Received: 09/06/2025 - Accepted: 22/12/2025

Aim: Marital instability has been one of the most significant challenges faced by families over the past half century. The present study aimed to examine the moderating role of communication patterns in the relationship between alexithymia and marital instability. **Methods:** This study employed a descriptive-correlational design and was conducted using structural equation modeling (SEM). The statistical population comprised all married men and women in Gotvand County, Khuzestan Province. A sample of 203 participants was selected using convenience sampling. Research variables were measured using the Communication Patterns Questionnaire (Christensen & Sullaway, 1985), the Marital Instability Questionnaire (Edwards & Booth, 1987), and the Toronto Alexithymia Scale (1997). Data were analyzed using SPSS version 24 and SmartPLS software. **Findings:** The results indicated significant positive relationships between the mutual avoidance communication pattern, the demand/withdraw communication pattern, alexithymia, and marital instability. In contrast, the relationship between the mutual constructive communication pattern, alexithymia, and marital instability was negative and significant. Moreover, the findings showed that the mutual constructive and mutual avoidance communication patterns played a moderating role in the relationship between alexithymia and marital instability, whereas the demand/withdraw communication pattern did not exhibit a moderating effect in this relationship ($p < 0.001$). **Conclusion:** Based on the findings, training couples to develop and adopt a mutual constructive communication pattern—given the significant relationship between alexithymia and marital instability—may serve a moderating function in reducing divorce rates.

Keywords: Communication patterns; marital instability; alexithymia



فصلنامه علمی پژوهشهای مشاوره
انجمن مشاوره ایران
جلد ۲۴، شماره ۹۶، زمستان ۱۴۰۴
مقاله پژوهشی

e-issn:4018-2717

p-issn:400-2717X

DOI: 10.18502/qjcr.v24i96.20837

رابطه بین ناگویی هیجانی و بی‌ثباتی زناشویی: نقش تعدیلگر الگوهای ارتباطی

پریچهر یآوری زاده^۱، رویا رسولی^۲، عباس عبداللهی^۳

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران.
yavarizadehp@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، دکتری مشاوره، دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
r.rasouli@alzahra.ac.ir

۳. دکتری مشاوره، استادیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
a.abdollahi@alzahra.ac.ir

(صفحات ۵۴-۷۷)

چکیده

بی‌ثباتی زناشویی یکی از مهم‌ترین چالش‌های خانواده‌ها در نیم‌قرن اخیر بوده است. **هدف:** پژوهش حاضر به دنبال بررسی نقش تعدیلگر الگوهای ارتباطی در رابطه بین ناگویی هیجانی و بی‌ثباتی زناشویی انجام شد. **روش:** پژوهش حاضر از نوع توصیفی - همبستگی و به روش مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شد. جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان و مردان متأهل شهرستان گتوند، استان خوزستان بوده است که از این جامعه تعداد ۲۰۳ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شد. به منظور سنجش متغیرهای پژوهش از پرسش‌نامه الگوهای ارتباطی کریستنسن و سولاوای (۱۹۸۵)، بی‌ثباتی زناشویی ادواردز و بوث (۱۹۸۷) و پرسشنامه ناگویی هیجانی تورنتو (۱۹۹۷) استفاده شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های آماری از نرم‌افزار SPSS 24 و Smart pls استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج پژوهش نشان داد که ارتباط مثبت معنی‌داری بین الگوی ارتباطی اجتناب متقابل، توقع/کناره‌گیری و ناگویی هیجانی و بی‌ثباتی زناشویی وجود دارد، رابطه بین الگوی ارتباطی سازنده متقابل، ناگویی هیجانی و بی‌ثباتی زناشویی منفی معنی‌دار است؛ همچنین نتایج نشان داد که الگوهای ارتباطی سازنده متقابل و اجتناب متقابل نقش تعدیلگر را در رابطه بین ناگویی هیجانی و بی‌ثباتی زناشویی ایفا می‌کنند درحالی‌که الگوی ارتباطی توقع / کناره‌گیری نقش تعدیلگر را در این رابطه ندارد ($p < 0.001$). **نتیجه‌گیری:** طبق یافته‌های این پژوهش آموزش و کسب الگوی ارتباطی سازنده توسط زوج‌ها، با توجه به رابطه معنادار ناگویی هیجانی و بی‌ثباتی زناشویی می‌تواند نقش تعدیل‌کننده در کاهش آمار طلاق داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: کلیدواژه: الگوی ارتباطی، بی‌ثباتی زناشویی، ناگویی هیجانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۵

مقدمه

خانواده یکی از قدیمی ترین و مهم ترین نهادهای اجتماعی است که تداوم روابط اعضای آن ثبات جامعه را در پی دارد (انتظارخیر و همکاران، ۲۰۲۲). یکی از چالش هایی که زوجها ممکن است با آن روبرو شوند بی ثباتی زندگی زناشویی^۱ است که افزایش بی رویه پرونده های طلاق حاکی از افزایش آن است و این افزایش تمام جوامع حال حاضر را شامل می شود (افراسیابی و دهقانی دارامرود، ۱۳۹۵) بر اساس آمار اعلام شده توسط سازمان ثبت احوال کشور در سال ۲۰۲۳ در ازای ثبت ۸۰ هزار ازدواج ۳۸ هزار طلاق ثبت شده است (وبگاه ثبت احوال کشور). پژوهش آزاد آرامکی (۲۰۱۶) حاکی از این است که ایران جزو کشورهای با آمار بالای طلاق است و افزایش بی رویه پرونده های طلاق شاهی برای تأیید این یافته است. همچنین در جهان در کشورهای اروپایی و آمریکا در نیم قرن گذشته طلاق آمار افزایشی داشته است (هوگندورن و همکاران^۲، ۲۰۲۰). نظر به اینکه خانواده یکی از مهم ترین نهادها در همه جوامع محسوب می شود در صورت ادامه یافتن این وضعیت و افزایش نرخ بی ثباتی زناشویی بنیان خانواده ها از بین می رود. بی ثباتی زناشویی به خواسته یک یا هر دوی زوجها برای به خاتمه بخشیدن به زندگی زوجی و انجام اعمالی در این راستا اطلاق می شود (باتول و همکاران^۳، ۲۰۲۳). عباسی (۲۰۱۸) در پژوهشی نشان داد که بی ثباتی زناشویی باعث افزایش ناسازگاری بین زوجها و ناتوانی آنها برای کنار آمدن با مسائل و مشکلات زندگی می شود. باتوجه به افزایش روزافزون این آمار و اثرگذاری بی ثباتی زناشویی بر افزایش مشکلات خانواده و جامعه شناسایی متغیرهای مرتبط با آن اهمیتی چشمگیر دارد.

بدیهی است که ویژگی های شخصی و فردی نقش مهمی در بی ثباتی زناشویی

-
1. Marital Instability
 2. Hogendoorn & al
 3. Batool & al

دارند. ناگویی هیجانی^۱ یکی از این عوامل فردی است که ویژگی‌هایی مانند ناتوانی در بیان، توصیف و تمایز بین احساسات را شامل می‌شود (همایون و همکاران، ۲۰۲۲). ناگویی هیجانی یک مفهوم چندبعدی است که چهاربعد دارد: مشکل در تشخیص و توصیف احساسات، مشکل در تمایز بین احساسات و محرک‌های فیزیکی، خیالپردازی‌های ناقص و تفکر درونگرا (یونسی و همکاران، ۲۰۱۶). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افراد مبتلا به ناگویی هیجانی در ایجاد و حفظ روابط عاطفی و تشخیص صحیح احساسات دیگران با مشکل مواجه هستند (بشارت و شهیدی، ۲۰۱۳). پژوهش‌ها همچنین نشان داده‌اند ناگویی هیجانی زمینه‌ساز مشکلات در زندگی شخصی و زناشویی است (خلیلی و همکاران، ۲۰۲۲؛ یونسی و همکاران، ۲۰۱۶). افراد با ناگویی هیجانی بالا هیجانات زیادی را تجربه می‌کنند؛ ولی توانایی بازشناسی و بیان این هیجانات را ندارند، عملکرد بین فردی این افراد سرد و دوری جو است (تکسیرا، ۲۰۱۸)، ناگویی هیجانی در استفاده از مهارت همدلی که ارتباط معناداری با ارائه مراقبت با کیفیت در روابط دارد اختلال ایجاد می‌کند، همچنین ناتوانی در همدلی با دیگران باعث ایجاد مشکلات بین فردی می‌شود (سنکار و آکتاس، ۲۰۱۹). پژوهش لیورز^۲ و همکاران (۲۰۲۲) به این نتیجه رسید که ناگویی هیجانی باعث تضعیف روابط بین زوج‌ها می‌شود؛ برای مثال ناگویی هیجانی با سطوح پایین تر رضایت از رابطه زناشویی، رضایت جنسی و نیاز به صمیمیت مرتبط است (لیورز و همکاران، ۲۰۲۲؛ لنتز^۳، ۲۰۱۷ و بشارت، ۲۰۱۴) که این عوامل باعث تجربه نکردن صمیمیت واقعی و در نهایت نارضایتی از روابط به خصوص رابطه زوجی می‌شود (گائو و همکاران^۴، ۲۰۲۲؛ موهیندرو^۵، ۲۰۲۲).

بی‌ثباتی زناشویی مانند سایر پدیده‌های روان‌شناختی فقط یک علت خاص ندارد و

1. Alexi thymia

2. Layvers & at al

3. Lentz

4. Gao,Zhang,Cheng,Sun,Oiao

5. Mohindru

عوامل مختلفی بر آن اثر دارند. یکی از این عوامل موثر الگوهای ارتباطی^۱ رایجی است که زن و شوهر از آنها استفاده می‌کنند. این الگوها تاثیر به سزایی در ثبات زندگی زوجی دارند (اسپنگلر، لی، وایت و ویتنبورن^۲، ۲۰۲۴). منظور از الگوی ارتباطی روشی است که زن و شوهر با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و تصویری است که زوج از ارتباط با یکدیگر دارند (حشمتی و همکاران، ۲۰۱۹). الگوی ارتباطی سازنده متقابل یکی از علل رضایت زناشویی و الگوهای ارتباطی اجتناب متقابل و تقاضا/کناره‌گیری یکی از علل ناراحتی زوجها از زندگی زناشویی خود هستند (گاتمن^۳، ۲۰۱۸). زوج‌هایی که الگوی ارتباطی غالب آنها اجتناب متقابل و تقاضا/کناره‌گیری است هیجانات منفی بیشتر و هیجانات مثبت کمتری را تجربه می‌کنند، در مقابل زوج‌هایی که از الگوی ارتباطی سازنده متقابل استفاده می‌کنند هیجانات مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند، گفتگوهای سازنده‌تری را گزارش می‌دهند و در ارزیابی مسائل بهتر عمل می‌کنند (پور سردار و همکاران، ۲۰۱۹). به همین خاطر بررسی الگوهای ارتباطی زوجها می‌تواند به ما در فهم چگونگی ثبات زندگی زناشویی زوجها و یا بی‌ثباتی آن کمک کند.

پژوهش‌های زیادی توسط پژوهشگران حوزه خانواده باهدف بررسی عوامل مؤثر در بی‌ثباتی زناشویی و طلاق انجام شده است که می‌توان از پژوهش پورسیدآقایی (۲۰۲۰۵) که به بررسی رابطه بین الگوهای ارتباطی و آشفتگی زناشویی پرداخت، پژوهش یآوری زاده و همکاران (۲۰۲۴) که به بررسی رابطه کمالگرایی عاشقانه و بی‌ثباتی زناشویی با نقش تعدیلگر الگوهای ارتباطی پرداخت، پژوهش فاضلی مهرآبادی و همکاران (۲۰۲۳) که رابطه بین الگوهای ارتباطی و تمایل زوجها به طلاق را نشان داد، پژوهش الشهرانی و حماد^۴ (۲۰۲۳) که نشان داد ناگویی هیجانی زوجها طلاق عاطفی آنها را پیش بینی می‌کند، پژوهش باغ بیدی و اعتمادی فرد (۲۰۲۰) که رابطه بین ناگویی هیجانی و دلزدگی

1. Communication patterns

2. Spengler, Lee, Wiebe, Wittenborn

3. Gottman

4. Al-shahrani, Hammad

زناشویی را نشان داد، پژوهش بنکدار مازندرانی و باقری (۲۰۲۰) که به بررسی رابطه بین الگوهای ارتباطی و بی‌ثباتی زناشویی زوج‌ها پرداخت یاد کرد. با این وجود آمار طلاق و بی‌ثباتی زناشویی همچنان رو به افزایش است (واگنر^۱، ۲۰۲۰) که نشان دهنده این است که این متغیر همچنان به پژوهش نیاز دارد. علاوه بر این تاکنون نقش تعدیلگر الگوهای ارتباطی در رابطه بین ناگویی هیجانی و بی‌ثباتی زناشویی بررسی نشده است و نیاز به پژوهش گسترده در این حوزه وجود دارد.

اهمیت ضرورت پژوهش حاضر از این رو است که بی‌ثباتی زناشویی اثرات فراوانی بر زندگی زوجی، فردی و اجتماعی زن و شوهر و فرزندان آنها دارد. به همین علت شناسایی عوامل موثر بر این معضل می‌تواند روش‌های موجود برای حل آن را افزایش دهد و اثرات فرسایشی آن بر خانواده و جامعه را کاهش دهد؛ به نحوی که با شناسایی عوامل فردی موثر بر بی‌ثباتی زناشویی می‌توان برای کاهش پیامدهای آسیب‌زای آن برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام داد و مداخلات متناسب با این معضل را به کار گرفت تا الگوهای ارتباطی زوج‌ها و به دنبال آن ثبات زندگی زناشویی آنها افزایش یابد. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تعدیلگر الگوهای ارتباطی در رابطه بین ناگویی هیجانی و بی‌ثباتی زناشویی انجام شد.

روش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی و روش مدل‌یابی معادلات ساختاری است. جامعه آماری این پژوهش کلیه مردان و زنان متأهل شهرستان گتوند استان خوزستان در سال ۱۴۰۱ بود که حداقل یک سال از زندگی مشترک آنها گذشته بود. حجم نمونه ۲۰۳ نفر (۱۲۹ نفر زن، ۷۴ نفر مرد) از زنان و مردان متأهل شهرستان گتوند در سال ۱۴۰۱ بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند؛ ابتدا شرایط پژوهش و معیارهای ورود و خروج در گروه‌های مجازی ارسال شد و از افراد خواسته شد در صورت داشتن شرایط به نویسنده

اعلام کنند تا لینک پرسشنامه در اختیارشان قرار گیرد و به سوالات پاسخ دهند. در پژوهش‌های همبستگی حجم نمونه لازم $K50+8$ است که K تعداد متغیرهای پیش‌بین پژوهش است (هویت و کرامر؛ ترجمه پاشا شریفی و همکاران، ۲۰۱۸). در پژوهش حاضر باهدف افزایش قدرت تعمیم‌دهی ۲۰۳ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. معیارهای ورود به پژوهش شامل: (۱) زوج حداقل یک سال با یکدیگر زندگی مشترک داشته باشند، (۲) زن و شوهر در یک مکان زندگی کنند، (۳) تمایل زوج به شرکت در پژوهش بود. معیارهای خروج از پژوهش نیز نداشتن سابقه طلاق و نداشتن هر یک از معیارهای ورود به پژوهش بود. باهدف رعایت اصول اخلاقی شرکت‌کنندگان از هدف پژوهش آگاه شدند و به آنها اطمینان خاطر داده شد که اطلاعات جمع‌آوری شده صرفاً در قالب اعداد و به صورت محرمانه مورد استفاده قرار می‌گیرند و از آنها خواسته شد کاملاً صادقانه به سوالات پاسخ دهند. به منظور اندازه‌گیری سازه‌های پژوهش از ابزار اندازه‌گیری زیر استفاده شد:

پرسش‌نامه بی‌ثباتی زناشویی: پرسش‌نامه بی‌ثباتی زناشویی یک پرسش‌نامه ۱۴ گویه‌ای است که در سال ۱۹۸۴ توسط ادواردز، جانسون و بوث^۱ طراحی شد. پرسش‌نامه مذکور برای اولین بار روی ۲۰۳۴ زوج آزمایش شد. پاسخ‌گویی به گویه‌ها به صورت طیف لیکرت چهاردرجه‌ای (۱ هرگز تا ۴ همیشه) و دامنه نمرات ۵۶-۱۴ است. تفسیر نمرات به این صورت انجام می‌شود که نمره ۲۸-۱۴ بیانگر ثبات زندگی زناشویی، ۴۲-۲۸ بی‌ثباتی ازدواج متوسط، و ۵۶-۴۲ بیانگر بی‌ثباتی ازدواج بالا می‌باشد. در ایران یاری پور (۱۳۷۹) اعتبار این پرسش‌نامه را ۰/۷۹ گزارش داده است. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه ۰/۷۳ بود.

پرسش‌نامه ناگویی هیجانی: پرسش‌نامه ناگویی هیجانی یک پرسش‌نامه ۲۰ گویه‌ای است که در سال ۱۹۸۵ توسط تیلور و همکاران^۲ ساخته شد و در سال ۱۹۸۶ توسط بگبی تغییراتی در آن اعمال شد. این پرسش‌نامه سه خرده مقیاس مشکل در

1. Edwards, Johnson, Booth

2. Taylor, Rayan, Bagby

شناسایی هیجانات، مشکل داشتن در بیان هیجانات و تفکر عینی دارد. پاسخگویی به گویه‌های این پرسش‌نامه به صورت طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای (۱ کاملاً مخالفم تا ۵ کاملاً موافقم) است. در این پرسش‌نامه گویه‌های ۵، ۳، ۱، ۱۷، ۱۱، ۸ و ۱۹ خرده‌مقیاس مشکل در شناسایی هیجانات، گویه‌های ۱۶، ۹، ۶، ۲ و ۲۰ خرده‌مقیاس مشکل داشتن در بیان هیجانات و بقیه گویه‌ها خرده‌مقیاس تفکر عینی را می‌سنجند. گویه‌های ۵، ۴، ۱۸، ۱۰ و ۱۹ نمره‌گذاری معکوس دارند. برای نمره‌گذاری نمرات کل خرده‌مقیاس‌ها با هم جمع می‌شود و نمره کلی ناگویی هیجانی فرد محاسبه می‌شود. نمره بین ۴۰ تا ۲۰ بیانگر ناگویی هیجانی کم، نمره ۶۰ تا ۴۰ ناگویی هیجانی متوسط و نمره بالاتر از ۶۰ بیانگر ناگویی هیجانی بالا و مشکلات شدید در تشخیص و ابراز هیجانات است. بشارت (۲۰۰۷) برای ارزیابی پایایی این پرسش‌نامه ضریب آلفای کرونباخ برای نمونه ایرانی را ۰٫۸۵ گزارش داد.

پرسش‌نامه الگوهای ارتباطی زوج‌ها: پرسش‌نامه الگوهای ارتباطی زوج‌ها یک پرسش‌نامه ۳۵ گویه‌ای است که در سال ۱۹۸۴ توسط کریستنسن و سولاوی طراحی شد. این پرسش‌نامه سه خرده‌مقیاس الگوی ارتباطی سازنده متقابل، اجتناب متقابل و اجتناب/کناره‌گیری دارد. پرسش‌نامه مذکور الگوهای ارتباطی زوج‌ها را در سه مرحله: زمان رخ دادن مشکل، زمان بحث در مورد مشکل و پس از بحث در مورد مشکل می‌سنجد. پاسخگویی به سؤالات به صورت طیف لیکرت ۹ درجه‌ای (۱ اصلاً امکان ندارد تا ۹ خیلی امکان دارد) است. نمره‌گذاری برای هر یک از الگوهای ارتباطی به این صورت است که نمره همه گویه‌های آن الگو را با هم جمع می‌کنیم و نمره هر کدام که بالاتر بود بیانگر الگوی ارتباطی غالب فرد است. هیوی، لاین و کریستنسن (۱۹۹۳) پایایی این پرسش‌نامه را به روش آلفای کرونباخ محاسبه کرده است و برای سه خرده‌مقیاس از ۰٫۷۸ تا ۰٫۹۵ گزارش دادند. در ایران عبادت پور این پرسش‌نامه را اعتباریابی کرده است و برای محاسبه روایی همبستگی بین پرسش‌نامه مذکور و پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ را محاسبه کرد. ضرایب همبستگی محاسبه شده برای خرده‌مقیاس‌های ارتباط

سازنده متقابل، اجتناب متقابل و اجتناب/کناره‌گیری ۰/۵۸، ۰/۵۸ و ۰/۳۵- بود. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه ۰/۸۳ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

برای تحلیل داده‌ها از فن مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر واریانس بهره‌برداری شد که با نرم‌افزار SmartPLS ۳ (نسخه ۳/۲/۳) انجام گردید. یکی از ویژگی‌های کلیدی روش کمترین مربعات جزئی این است که قابلیت تطبیق با مدل‌های پیشنهادی را در اندازه‌های نمونه کوچک دارد و همچنین در برابر نرمال بودن داده‌ها مقاوم‌تر است. به علاوه، لازم به ذکر است که داده ازدست‌رفته به دلیل جمع‌آوری داده‌ها به صورت آنلاین وجود نداشت. در راستای شناسایی داده‌های غیرمعمول یا پرت، از آمار ماهالانویس برای متغیرهای مورد تحقیق استفاده شد. این آمار نشان‌دهنده فاصله نمرات هر فرد از مرکز توزیع داده‌ها می‌باشد (کلاین، ۲۰۱۶). اگر سطح معناداری آماره ماهالانویس برای نمره‌ای بیش از ۰/۰۱ باشد، آن نمره به عنوان داده پرت محسوب می‌شود. طبق بررسی‌ها، هیچ یک از شرکت‌کنندگان نمره‌ای بالاتر از ۰/۰۱ کسب نکردند که به این معناست که در مجموعه داده‌ها فاقد هرگونه داده غیرمعمول یا پرت بودیم و حجم نهایی نمونه ۲۰۳ نفر است.

هرچند نرمال بودن داده‌ها به عنوان یک شرط اساسی برای انجام تحلیل‌های داده‌ای با نرم‌افزار Smart PLS3 الزامی نیست، اما این نرم‌افزار برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از دو شاخص اصلی شامل کجی و کشیدگی بهره می‌برد. شاخص کجی به تحلیل انحرافات موجود در توزیع داده‌ها نسبت به شکل بهنجار می‌پردازد و نشان می‌دهد که آیا توزیع از حالت نرمال و زنگوله‌ای خارج شده است یا خیر. به عبارتی، این شاخص میزان عدم تقارن توزیع را مشخص می‌کند. از سوی دیگر، شاخص کشیدگی به بررسی چگالی داده‌ها در ناحیه مرکزی توزیع و همچنین پهنای نمودار توزیع می‌پردازد. طبق نتایج درج‌شده در جدول ۴-۲، مقادیر کجی داده‌ها در بازه ± 2 و مقادیر کشیدگی در بازه ± 3

قرار دارد که این امر بیانگر نرمال بودن توزیع داده‌های این پژوهش است (تاباچنیک و فیدل، ۲۰۱۴).

در مرحله اندازه‌گیری مدل، ضروری است که شرایط روایی همگرا، روایی واگرا و پایایی موردبررسی قرار گیرند (هیر و همکاران، ۲۰۱۷). ارزیابی روایی واگرا و همگرا به وسیله مقادیر بار عاملی، میانگین واریانس استخراج شده (AVE)، پایایی مرکب (CR) و آلفای کرونباخ انجام می‌گیرد. نتایج به دست آمده نشان دهنده این است که مقادیر بارهای عاملی همگی بالای ۰٫۵۰ بوده و نیازی به حذف هیچ یک از آنها احساس نشد. این داده‌ها به روشنی بیانگر وجود روایی همگرا و واگرایی قابل قبول برای متغیرهای تحقیق است. علاوه بر این، مقادیر AVE، CR و آلفای کرونباخ به ترتیب بزرگ‌تر از ۰٫۵۰، ۰٫۷۰ و ۰٫۷۰ ثبت شدند (هیر و همکاران^۱، ۲۰۱۷) که خود مؤید روایی پذیرفته شده برای این متغیرها بوده است. برای ارزیابی روایی واگرا، از شاخص HTMT استفاده گردید که محدوده آن از صفر تا یک است. برای این شاخص، مقدار حد برش ۰٫۸۵ در نظر گرفته شده است و اگر ارزش عددی کمتر از این مقدار باشد، نشان دهنده روایی واگرایی متغیرها محسوب می‌شود (لطفاً به جدول ۱ مراجعه کنید).

جدول ۱. پایایی سازه، روایی همگرا و ضریب همسانی درونی و روایی واگرا متغیرهای پژوهش

متغیر	روایی همگرا	پایایی سازه	آلفای کرونباخ	روایی واگرا
ارتباط سازنده متقابل	۰٫۶۷	۰٫۸۷	۰٫۸۸	۰٫۳۴
ارتباط اجتناب متقابل	۰٫۷۱	۰٫۸۸	۰٫۸۵	۰٫۳۹
متوقع/کناره‌گیر	۰٫۷۵	۰٫۷۹	۰٫۷۵	۰٫۴۱
بی‌ثباتی زناشویی	۰٫۵۹	۰٫۷۴	۰٫۷۳	۰٫۳۷
ناگویی هیجانی	۰٫۷۹	۰	۰٫۷۲	۰٫۳۱

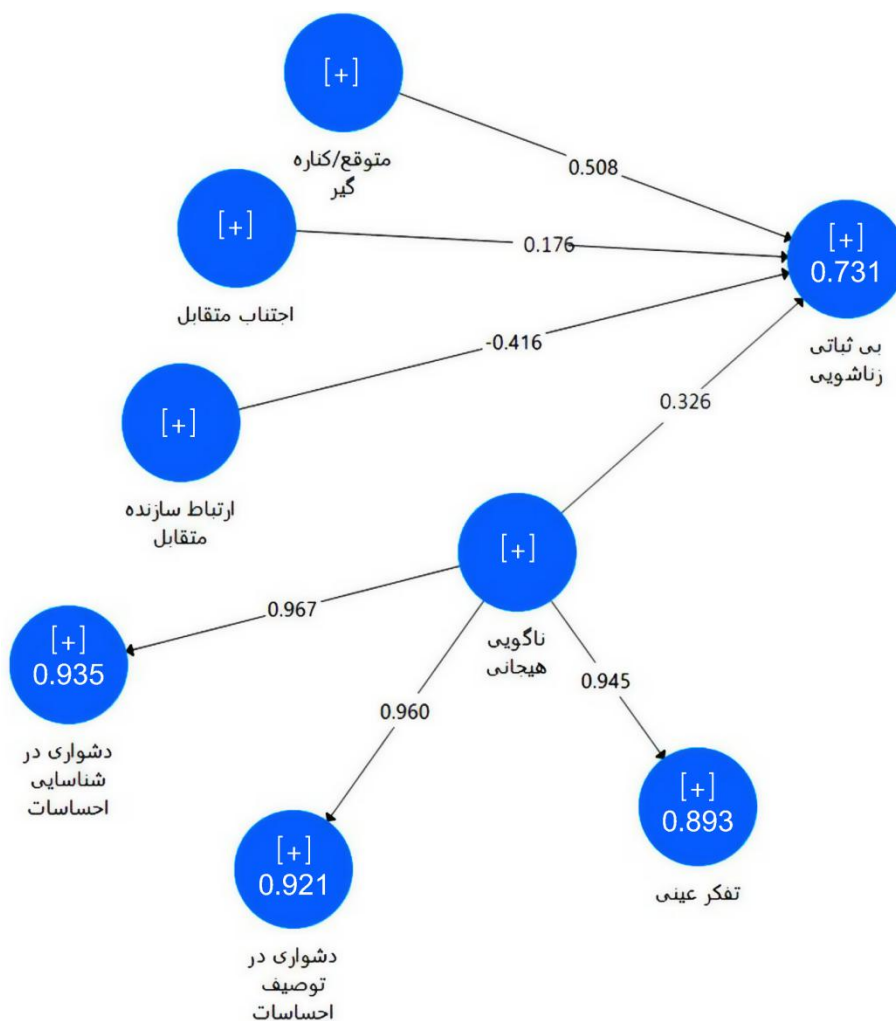
در جدول ۲ بارهای عاملی گویه‌های هر یک از متغیرهای پژوهش قابل رویت است.

جدول ۲. بارهای عاملی گویه‌های هر یک از متغیرهای پژوهش

متغیر	بار عاملی	گویه	متغیر	بار عاملی	گویه
ارتباط سازنده متقابل	۰٫۷۶	گویه ۱	بی‌ثباتی زناشویی	۰٫۶۶	گویه ۱۲
	۰٫۶۱	گویه ۱۰		۰٫۷۱	گویه ۱۳
	۰٫۴۸	گویه ۱۱		۰٫۷۶	گویه ۱۴
	۰٫۸۴	گویه ۱۲		۰٫۶۷	گویه ۱۵
	۰٫۷۵	گویه ۱۳		۰٫۶۶	گویه ۱۶
	۰٫۳۵	گویه ۱۴		۰٫۵۶	گویه ۱۷
	۰٫۶۹	گویه ۱۵		۰٫۵۴	گویه ۱۸
	۰٫۶۷	گویه ۱۶		۰٫۸۲	گویه ۱۹
	۰٫۷۵	گویه ۱۷		۰٫۸۵	گویه ۲۰
	۰٫۷۳	گویه ۲		۰٫۵۷	گویه ۲۱
	۰٫۸۱	گویه ۳		۰٫۷۵	گویه ۲۲
	۰٫۷۴	گویه ۴		۰٫۸۴	گویه ۲۳
	۰٫۷۶	گویه ۵		۰٫۸۲	گویه ۱
اجتناب متقابل	۰٫۹۳	گویه ۶	دشواری در شناسایی احساسات	۰٫۸۸	گویه ۲
	۰٫۸۴	گویه ۷		۰٫۸۶	گویه ۲۴
	۰٫۹	گویه ۸		۰٫۷۸	گویه ۲۵
	۰٫۵۵	گویه ۹		۰٫۸۸	گویه ۲۶
	۰٫۵	گویه ۱		۰٫۸۳	گویه ۲۷
	۰٫۸۵	گویه ۳		۰٫۵۴	گویه ۲۸
	۰٫۹	گویه ۶		۰٫۶۸	گویه ۲۹
	۰٫۶	گویه ۷		۰٫۸۱	گویه ۳
	۰٫۶۷	گویه ۹		۰٫۵۸	گویه ۳۰
	۰٫۷۹	گویه ۱۳		۰٫۷۶	گویه ۴
	۰٫۸۷	گویه ۱۴		۰٫۸۲	گویه ۵
	۰٫۶۲	گویه ۲		۰٫۶۴	گویه ۱۰
	۰٫۸۸	گویه ۴		۰٫۶۵	گویه ۱۱
متوقع/کناره‌گیر	۰٫۷۱	گویه ۱۱		۰٫۵۸	گویه ۳۱

گویه ۱۲	۰,۹		گویه ۳۲	۰,۶۸
گویه ۱۷	۰,۹۲		گویه ۳۳	۰,۶۳
گویه ۵	۰,۸۶		گویه ۳۴	۰,۷۹
گویه ۸	۰,۷۷		گویه ۳۵	۰,۸۳
گویه ۱۰	۰,۹۱		گویه ۶	۰,۸۵
گویه ۱۵	۰,۹۲		گویه ۷	۰,۸۳
گویه ۱۶	۰,۴۹	تفکر عینی	گویه ۸	۰,۸۶
گویه ۱۸	۰,۸۵		گویه ۹	۰,۷
گویه ۱۹	۰,۶۵			
گویه ۲۰	۰,۷۶			

در مرحله مدلسازی معادلات ساختاری، ارزیابی فرضیات تحقیق، ضریب تعیین (R2)، اندازه اثر (F2) و مقادیر استون-گیسر (Q2) صورت می‌گیرد (به جدول ۳ مراجعه کنید). نتایج مدل ساختاری نشان داد رابطه مثبت معناداری بین اجتناب متقابل (b=۰,۱۷۶, ۳,۹۸, $p < ۰,۰۰۱$ t), ناگویی هیجانی (b=۰,۳۲۶, ۴,۷۵, $p < ۰,۰۰۱$ t), الگوی ارتباطی متوقع/کناره گیر (b=۰,۵۰۸, ۵,۱۵, $p < ۰,۰۰۱$ t) با بی‌ثباتی زناشویی وجود داشت و رابطه منفی معناداری بین الگوی ارتباطی سازنده متقابل (b=-۰,۴۱۸, ۴,۸۵, $p < ۰,۰۰۱$ t) و بی‌ثباتی زناشویی وجود داشت (شکل ۱ و جدول ۲ را مشاهده کنید).



شکل ۱. مدل ساختاری بی ثباتی زناشویی

برای برآورد مقدار واریانس در بی ثباتی زناشویی که توسط الگوهای ارتباطی اجتناب متقابل، متوقع/کناره گیر، سازنده متقابل و ناگویی هیجانی R^2 محاسبه شد. مقدار R^2 بیش از ۷۳٪ به عنوان یک ضریب تعیین بالا در نظر گرفته می شود (هیر و همکاران^۱،

1. Hair, Hult, Ringle & Sarstedt

۲۰۱۷). R2 برای بی‌ثباتی زناشویی ۰/۷۳۱ بود که نشان‌دهنده این بود که الگوهای ارتباطی اجتناب متقابل، راهبرد متوقع/کناره‌گیر، سازنده متقابل و ناگویی هیجانی ۰/۷۳۱٪ تغییرات در بی‌ثباتی زناشویی را توضیح دادند (جدول ۳ را مشاهده کنید).

برای بررسی تأثیر حذف متغیرهای برون‌زا (از جمله الگوهای ارتباطی اجتناب متقابل، متوقع/کناره‌گیر، سازنده متقابل و ناگویی هیجانی) بر متغیر درون‌زا (بی‌ثباتی زناشویی)، از اندازه اثر f^2 بهره‌برداری شد. لوراح^۱ (۲۰۱۸) این اندازه اثر را به سه دسته کوچک، متوسط و بزرگ تقسیم‌بندی کرده است، به طوری که مقادیر به ترتیب برای هر دسته ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ تعیین می‌شوند. ارزیابی نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که ارزش‌های f^2 برای متغیرهای اجتناب متقابل، ارتباط سازنده متقابل، استراتژی متوقع/کناره‌گیر و ناگویی هیجانی به ترتیب برابر با ۰/۱۶، ۰/۱۲، ۰/۱۷ و ۰/۱۵ هستند (به جدول ۳ مراجعه کنید). بر این اساس، نتایج گویای این است که متغیر متوقع/کناره‌گیر تأثیر بیشتری در تبیین بی‌ثباتی زناشویی دارد و حذف این متغیر از مدل، کاهش قابل توجهی در مقدار ضریب تعیین (R2) بی‌ثباتی زناشویی به همراه خواهد داشت.

هدف از ارزیابی معیار قدرت پیش‌بینی (Q2) بر اساس کار روسو و استول^۲، (۲۰۲۱)، بررسی توان پیش‌بینی متغیرهای پنهان برون‌زا نسبت به متغیرهای درون‌زا در مدل است. در مدل ساختاری، اگر مقدار Q2 برای هر متغیر درون‌زا بیشتر از صفر باشد، به معنای توانایی پیش‌بینی متغیر برون‌زای مرتبط است. هنسler، رینگل و سینکوویچ^۳ (۲۰۰۹) سه حد معیاری ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را برای توان پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی ارائه داده‌اند. در این تحقیق، مقدار Q2 برای متغیر بی‌ثباتی زناشویی برابر با ۰/۳۳ تعیین شد، که نشان‌دهنده این است که متغیرهای پیش‌بینی‌کننده در این پژوهش، قدرت پیش‌بینی قوی برای بی‌ثباتی زناشویی دارند (لطفاً به جدول ۳ مراجعه فرمایید).

1. Lorah

2. Russo& Stol

3. Hensler, Ringle& Sinkovics

جدول ۳. ضرایب بتا، سطح معناداری، اندازه اثر، معیار قدرت پیش بینی و واریانس پیش بینی

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	ضریب بتا	آماره t	سطح معناداری	اندازه اثر F2	معیار قدرت پیش بینی Q2	R2
ارتباط سازنده متقابل		-۰,۴۱۶	۴,۸۵	۰,۰۰۱	۰,۱۶		
ارتباط اجتناب متقابل		۰,۱۷۶	۳,۹۸	۰,۰۰۱	۰,۱۲	۰,۳۳	۰,۷۳۱
بی ثباتی زناشویی		۰,۵۰۸	۵,۱۵	۰,۰۰۱	۰,۱۷		
راهبرد متوقع/کناره گیر		۰,۳۲۶	۴,۷۵	۰,۰۰۱	۰,۱۵		
ناگویی هیجانی							

نقش تعدیل گری الگوی ارتباطی سازنده متقابل

دامنه نمرات مربوط به این متغیر از ۶ تا ۵۴ محدوده دارد و میانه آن ۴۶ تعیین شده است. بر اساس این میانه، افراد به دو گروه تقسیم شدند: گروهی با ارتباط سازنده متقابل پایین شامل ۱۱۱ نفر و گروهی با ارتباط سازنده متقابل بالا با ۹۲ نفر. برای ارزیابی برازش مدل، از دو شاخص SRMR و NFI استفاده گردید. به طور کلی، اگر مقدار SRMR کمتر از ۰,۰۸ باشد (که در مدل تعدیلگر برابر با ۰,۰۷ گزارش شده است) و ارزش NFI بالای ۰,۹ باشد (که در مدل تعدیلگر این عدد به ۰,۹۳ می رسد)، این شرایط نشان دهنده برازش مناسب مدل است (طبق تحقیق روسو و استول، ۲۰۲۱). علاوه بر این، اگر برای یک گروه، سطح معناداری مشاهده شود درحالی که برای گروه دیگر وجود نداشته باشد، یا اگر علامت ضریب بتا در یکی از گروه ها با گروه دیگر تفاوت داشته باشد، می توان نتیجه گیری کرد که متغیر تعدیلگر تأثیر مشخصی در رابطه مورد بررسی ایفا کرده است.

همان طور که ملاحظه می کنید سطح معناداری در رابطه بین ناگویی هیجانی با بی ثباتی زناشویی در گروه پایین ارتباط سازنده متقابل معنادار نیست و همین رابطه در گروه بالا ارتباط سازنده متقابل معنادار است، بنابراین متغیر تعدیل گر ارتباط سازنده متقابل نقش تعدیل گری ایفا کرده است.

نقش تعدیل گری الگوی ارتباطی اجتناب متقابل

دامنه نمرات این متغیر از ۵ تا ۴۵ است و میانه آن ۱۳ می باشد. بر اساس این میانه، داده ها به دو گروه تقسیم شده اند: گروه اجتناب متقابل پایین که شامل ۱۰۶ نفر بوده و

گروه اجتناب متقابل بالا با ۷۹ نفر. همان‌طور که مشاهده می‌شود، در گروه بالای اجتناب متقابل، سطح معناداری بین ناگویی هیجانی و بی‌ثباتی زناشویی وجود دارد، درحالی‌که این رابطه در گروه پایین اجتناب معنادار نیست. ازاین‌رو، می‌توان نتیجه گرفت که متغیر اجتناب متقابل در این مورد نقش تعدیلگر را ایفا کرده است.

نقش تعدیل‌گری الگوی ارتباطی متوقع/کناره‌گیر

در ارتباط با نقش تعدیل‌گری الگوی ارتباطی متوقع/کناره‌گیر، دامنه نمرات که برای این متغیر بین ۱۲ تا ۹۰ است و میانه آن ۴۰ تعیین شده، داده‌ها به دو گروه دیگر تقسیم شده‌اند: گروه پایین شامل ۱۰۴ نفر و گروه بالا با ۹۹ نفر. در گروه پایین، رابطه بین ناگویی هیجانی و بی‌ثباتی زناشویی معنادار است و در گروه بالا نیز این ارتباط معناداری وجود دارد؛ بنابراین، در این مورد متغیر متوقع/کناره‌گیر در نقش تعدیل‌گری تأثیری نداشته است.

جدول ۴. نقش تعدیل‌گری

تعدیل‌گر	سازه	سازه	بالا ضریب بتا (سطح معناداری)	پایین ضریب بتا (سطح معناداری)
ارتباط سازنده متقابل	ناگویی هیجانی	بی‌ثباتی زناشویی	(۱,۲۶)۰,۰۱۱	(۴,۱۱)۰,۴۱۲
اجتناب متقابل	ناگویی هیجانی	بی‌ثباتی زناشویی	(۴,۶۵)۰,۴۴۲	(۱,۳۸)۰,۰۱۲
متوقع/کناره‌گیر	ناگویی هیجانی		(۲,۹۱)۰,۳۱۱	(۳,۴۱)۰,۴۱۱

بحث

پژوهش حاضر باهدف بررسی رابطه بین ناگویی هیجانی و بی‌ثباتی زناشویی: نقش تعدیلگر الگوهای ارتباطی بین زوج‌های شهرستان گتوند استان خوزستان انجام شد.

نتایج پژوهش نشان داد که بین الگوهای ارتباطی اجتناب متقابل، متوقع/کناره‌گیر و ناگویی هیجانی و بی‌ثباتی زناشویی رابطه مثبت معناداری وجود دارد؛ ولی رابطه بین الگوی ارتباطی سازنده متقابل، ناگویی هیجانی و بی‌ثباتی زناشویی منفی معنی‌دار است؛ الگوهای ارتباطی و ناگویی هیجانی ۷۳ درصد از تغییرات بی‌ثباتی زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند. این یافته همسو با پژوهش پورسیدآقای (۱۴۰۳) مبنی بر رابطه بین الگوهای ارتباطی و آشفتگی زناشویی، پژوهش فاضلی مهرآبادی و همکاران (۱۴۰۲) مبنی بر رابطه بین الگوهای ارتباطی و بی‌ثباتی زناشویی، پژوهش رضایی و همکاران (۱۴۰۲)، پژوهش مکیان و همکاران (۱۴۰۱)، پژوهش باغ‌بیدی و اعتمادی فرد، (۱۳۹۹)؛ پولنیک و همکاران^۱ (۲۰۱۷) و امیدي فر و همکاران (۱۳۹۵) است.

در تبیین این یافته که ناگویی هیجانی رابطه مثبت معناداری با بی‌ثباتی زناشویی دارد می‌توان این‌گونه عنوان کرد که داشتن ثبات و صمیمیت در زندگی زناشویی در گرو خود افشایی و خودآگاهی افراد است؛ این در حالی است که افراد با نمره بالا در ناگویی هیجانی به دلیل داشتن ویژگی‌هایی مانند ناتوانی در شناخت و ابراز احساسات و داشتن تفکر عینی که باعث می‌شود فرد نتواند حوادث را تفسیر کند و صرفاً نظاره‌گر آنها باشد در این زمینه با چالش روبرو خواهند شد. این افراد در روابط بین فردی همدلی که برای روابط صمیمانه ضروری است را ندارند یا سطوح پایینی از آن را بروز می‌دهند. (جانسون و همکاران^۲، ۲۰۱۳). مکیان و همکاران (۱۴۰۱) به این نتیجه رسیدند که ناگویی هیجانی کیفیت رابطه زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پناهی و همکاران (۱۳۹۶) به این نتیجه رسیدند که ناگویی هیجانی زوج‌ها می‌تواند ثبات زندگی زناشویی زوج‌ها را با مشکلاتی روبرو کند که پیامدهای جبران‌ناپذیری دارد. به عبارتی دیگر همانگونه که بیان احساسات باعث افزایش ثبات زندگی زناشویی می‌شود ناگویی هیجانی تأثیر منفی بر ثبات زندگی زوجی دارد و یک عامل مهم در افزایش بی‌ثباتی زناشویی به شمار می‌آید.

1. Polenick & at al

2. Johnson, Lyons, Bethell & Ross

این یافته که الگوهای ارتباطی اجتناب متقابل و توقع/کناره‌گیری رابطه مثبت معناداری با بی‌ثباتی زناشویی و الگوی ارتباطی سازنده متقابل رابطه منفی معنی‌داری با بی‌ثباتی زناشویی دارند نیز با پژوهش‌های یاورى زاده و همکاران (۱۴۰۴)، و فرج‌نیا و همکاران (۱۴۰۲)، قاسمی شیخ طبقی و زاده محمدی (۱۴۰۳)، بنکدار مازندرانی و باقری (۱۴۰۰) و اشرفیان لک و باقری (۱۳۹۸) همسو است. الگوی ارتباطی زوج‌های یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های بی‌ثباتی زناشویی است و می‌توان از آن به عنوان ملاکی برای متمایز کردن زوج‌های راضی و ناراضی از رابطه زناشویی استفاده کرد. اگر الگوی ارتباطی غالب زوج‌های سازنده متقابل باشد آنها در رابطه زوجی با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند و هنگام بروز مشکل به دنبال راه حل می‌روند و این عوامل زمینه‌ساز افزایش صمیمیت و پایداری رابطه زوجی آنها می‌شود (مهد هسیم و همکاران^۱، ۲۰۱۵؛ ولی اگر الگوی ارتباطی غالب زوج اجتناب متقابل یا توقع/کناره‌گیری باشد هنگام بروز مشکل به جای گفتگوی سازنده به بروز رفتارهای غیرسازنده مانند کناره‌گیری از یکدیگر، سرزنش و انتقاد می‌پردازند که این رفتارها می‌تواند هرگونه رابطه بین فردی از قبیل رابطه زوجی را دچار فروپاشی کند.

آخرین یافته پژوهش حاضر این بود که الگوهای ارتباطی سازنده متقابل و اجتناب متقابل رابطه بین ناگویی هیجانی و بی‌ثباتی زناشویی را تعدیل می‌کنند؛ ولی الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیری نقش تعدیلگر را در این رابطه ایفا نمی‌کند؛ به این معنا که غلبه الگوی ارتباطی سازنده متقابل در رابطه زوجی باعث کاهش ناگویی هیجانی و به دنبال آن کاهش بی‌ثباتی زناشویی می‌شود و برعکس غلبه الگوی ارتباطی اجتناب متقابل باعث افزایش ناگویی هیجانی و به دنبال آن افزایش بی‌ثباتی زناشویی می‌شود. الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیری هم تأثیری در رابطه بین ناگویی هیجانی و بی‌ثباتی زناشویی ندارد. در تبیین این یافته می‌توان این‌گونه عنوان کرد که زوج‌هایی که از الگوی ارتباطی

سازنده متقابل استفاده می‌کنند هر گاه مشکلی به وجود بیاید با یکدیگر گفت‌وگو و تعامل می‌کنند، احساسات خود را با شریک عاطفی خود در میان می‌گذارند و نیازهای خود را در رابطه زوجی برآورده می‌کنند (هنرپروران و همکاران، ۲۰۱۱) وقتی زوجها ارتباطی سازنده با یکدیگر دارند و نمره پایین‌تری در ناگویی هیجانی کسب می‌کنند؛ هیجانات و نیازهای خود را با شریک عاطفی خود در میان می‌گذارند و رابطه زوجی از این طریق تقویت شده و کمتر احتمال دارد زوج به بی‌ثباتی زناشویی تمایل داشته باشند (امیدیان فرو همکاران، ۱۳۹۷) ولی وقتی زوجی از الگوی اجتناب متقابل استفاده می‌کنند در مواقع بروز مشکل با یکدیگر گفت‌وگو نمی‌کنند، نیازهای خود را بیان نمی‌کنند و از بیان هیجانات خود نیز خودداری می‌کنند؛ به این ترتیب رابطه بین آنها به رابطه‌ای سرد با حداقل صمیمیت تبدیل می‌شود که احتمال بروز بی‌ثباتی زناشویی و در شدیدترین حالت تمایل به طلاق بیشتر می‌شود.

نتیجه‌گیری

به طور کلی می‌توان گفت که الگوهای ارتباطی و ناگویی هیجانی دو متغیر مهم و اثرگذار بر بی‌ثباتی زناشویی هستند که آگاهی بخشی به زوجها در این موارد می‌تواند تأثیر بسزایی در کاهش بی‌ثباتی زناشویی و آمار طلاق داشته باشد. به همین دلیل به روان‌شناسان و مشاوران خانواده توصیه می‌شود در مشاوره‌های پیش از ازدواج و زوج‌درمانی این دو عامل را مورد بررسی قرار داده و آموزش‌های لازم را در اختیار زوجها قرار دهند. براساس یافته‌های این پژوهش به منظور کاهش بی‌ثباتی زناشویی پیشنهاد می‌شود در خانواده‌ها بستری فراهم شود تا الگوی ارتباطی سازنده بین زوجها شکل بگیرد، زوجها هیجانات خود را ابراز کنند و بتوانند به هیجانات شریک زندگی توجه کنند و در مواقع لازم همدلی کنند تا صمیمیت بین آنها افزایش یابد.

مانند هر پژوهش دیگری پژوهش حاضر هم محدودیت‌هایی دارد که امید است پژوهشگران بعدی آنها را مرتفع سازند. از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به کمی

بودن آن که امکان بررسی سایر ابعاد و تعامل مستقیم با شرکت‌کنندگان پژوهش وجود ندارد و محدودیت جغرافیایی در بررسی پرداخت که امکان تعمیم‌دهی به افراد در فرهنگ‌های متفاوت را کاهش می‌دهد، یکی دیگر از محدودیت‌های این پژوهش استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس است که نوعی نمونه‌گیری غیرتصادفی است. از دیگر محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به عدم بررسی نقش میانجی الگوهای ارتباطی در رابطه بین ناگویی هیجانی و بی‌ثباتی زناشویی پرداخت. بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی مانند خوشه‌ای استفاده شود و نقش میانجی الگوهای ارتباطی نیز بررسی شود. به پژوهشگران محترم حوزه خانواده پیشنهاد می‌شود به بررسی متغیرهای مؤثر دیگر در بی‌ثباتی زناشویی پرداخته و به پژوهش کیفی و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با زوج‌ها در مورد علل گرایش به بی‌ثباتی زناشویی بپردازند.

ملاحظات اخلاقی: تمامی شرکت‌کنندگان رضایت خود را برای شرکت در پژوهش اعلام کرده و در مورد محرمانه بودن اطلاعات آنها به آنها اطمینان خاطر داده شد

سهم نویسندگان: نویسنده اول مسئول جمع‌آوری داده‌ها و نگارش مقاله را بر عهده داشت و نویسنده دوم و سوم نظارت بر اجرای پژوهش را بر عهده داشتند.

حمایت مالی: پژوهش حاضر تحت حمایت مالی هیچ سازمانی نبوده و تمام هزینه‌های آن را نویسندگان قبل نموده‌اند.

تعارض منافع: یافته‌های پژوهش حاضر هیچ گونه تضادی با منافع شخصی و سازمانی ندارد.

قدردانی: از کلیه زوج‌های شهرستان گتوند استان خوزستان که با شرکت در پژوهش به اجرای آن کمک کردند، قدردانی می‌شود.

منابع

- Abbasi, I.S (2018). Social media and committed relationships: What factors make our romantic relationship vulnerable? *Social Science Computer Review*, 1–10.
DOI: 10.1177/0894439318770609.

- Afrasiabi, H. and Dehghani Daramroud, R (2016). Contexts and encountering with emotional separation among women in City of Yazd. *Woman in Development & Politics*, 14(2), 255-271. doi: 10.22059/jwdp.2016.59203
- Al-Shahrani, H. F., & Hammad, M. A. (2023). Relationship between emotional divorce and alexithymia among married women in Saudi Arabia. *BMC psychology*, 11(1), 217. <https://doi.org/10.1186/s40359-023-01236-w>
- Ashrafian Lak, S., Bagheri, N (2019). Comparison of family communication patterns and personality traits in couples applying for divorce with ordinary people. *Social Health*, 8(1), 28-38 [in Persian].
- Armaki, A,T (2017) Changes, challenges and the future of the Iranian family, Tehran: *Tisa*
- Besharat, M. A., Naghshineh, N., Ganji, P., & Tavalaeayan, F. (2014). The moderating role of attachment styles on the relationship of alexithymia and fear of intimacy with marital satisfaction. *International journal of psychological studies*, 6(3), 106-117 . doi:10.5539/ijps.v6n3p106
- Bonakdar Mazandarani, N., & Bagheri, F (2021). Investigating the relationship between mental health, sexual self-concept and the role of communication. *Journal of Psychology New Ideas*, 9(13), 1-18.
- Batool, A. ., Bajwa, R. S. ., Farooq, S. ., & Ayub , M. (2023). The Impact of Marital Instability and Psychological Distress on Quality of Life among Married Women, Pakistan. *Pakistan Journal of Humanities and Social Sciences*, 11(2), 2379–2386. <https://doi.org/10.52131/pjhss.2023.1102.0536>.
- Entezarkheir, N., Alivandi Vafa, M., & Hosseini Nasab, S. D. (2022). Emotional Divorce and Emotional Schemas in Couples with Emotional Divorce Experience: The Mediating Role of Emotional Intelligence. *Journal of Applied Family Therapy*, 3(2), 361-377.
- Ebadatpour, B. (2000). Normative Finding of the Marital Communication Patterns Questionnaire in Tehran in 2000-01. Bachelor's Thesis, *Tehran University of Teacher Education*. [Link]
- Farajnaia, S. Belyd,M., Hoseinian,S,. Taghvayi,H,M,. (2023). The Mediating Role of Spiritual Attitude in Relation to Communication Patterns and Marital Adjustment. *Islamic Studies of Women and Family*, 10(18), 233-256
- Fazeli Mehrabadi A, Najary Forushani S, Mehregan M. Analyzing-Communication Patterns of Couples on the Verge of Separation. *RBS* 2024; 21 (4):637-651. URL: <http://rbs.mui.ac.ir/article-1-1669-fa.html>
- Gao, M., Zhang, H., Gao, Z., Cheng, X., Sun, Y., Qiao, M., & Gao, D. (2022). Global and regional prevalence and burden for premenstrual syndrome and premenstrual dysphoric disorder: A study protocol for systematic review and meta-analysis. *Medicine*, 101(1). 1-4. DOI: 10.1097/MD.00000000000028528
- Gottman, J., and Gottman, J. S. (2018). The science of couple and family therapy (behind the scenes of love laboratory). (Translation: Shahram Mohammad Khani, Elias Akbari, Morteza Fayazi) Tehran: *Ibn Sina Publications*.

- Hair Jr, J. F., Hult, G. T. M., Ringle, C. M., & Sarstedt, M. (2017). A primer on partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM)(2th Editio). Sage publications.
- Heshmati, R., Pouresmaili, A., & Khodaparast Kazerooni, S. (2019). Comparison of persistent vulnerable: The role of original family function, neuroticism, and relationship beliefs in divorce applicant couples. *Journal of Woman and Family Studies*, 7(1), 159-178. doi: 10.22051/JWFS.2019.14474.1391
- Henseler, J., Ringle, C. M., & Sinkovics, R. R. (2009). The use of partial least squares path modeling in international marketing. In *New challenges to international marketing* (pp. 277–319). Emerald Group Publishing Limited.
- Hogendoorn, B., Leopold, T., & Bol, T. (2020). Divorce and diverging poverty rates: a Risk-and- Vulnerability approach. *Journal of marriage and family*, 82(3), 1089-1109. <https://doi.org/10.1111/jomf.12629>
- Jonason, P. K., Lyons, M., Bethell, E. J., & Ross, R. (2013). Different routes to limited empathy in the sexes: Examining the links between the Dark Triad and empathy. *Personality and individual differences*, 54(5), 572-576.
- Kalesar, L. E., & Rasouli, M. (2017). The relationship between relational beliefs, relational attributes and marital happiness. *Journal of Applied Psychology*, 11(3), 43.
- Khalili, D., Khalili, N., & Jafari, E. (2022). Effectiveness of positive psychotherapy on depression and alexithymia in women applying for a divorce. *Depression research and treatment*, 2022(1), 8446611.
- Lentz, S. A. (2017). Not supposed to feel, not supposed to care: The impact of masculinity, intimacy, and normative male alexithymia on men's relationship satisfaction (*Doctoral dissertation, Alliant International University*).
- Lorah, J. (2018). Effect size measures for multilevel models: Definition, interpretation, and TIMSS example. *Large-Scale Assessments in Education*, 6(1), 1–11.
- Makian, R. S., Karami, S., and Abkar, A. (2022). Predicting the quality of women's marital relationships based on personality traits and emotional malaise. (e725893). *Journal of Women Interdisciplinary Researches*, 4(1), e725893
- Mohd Hasim, M. J., Mustafa, H., & Hashim, N. H. (2015). Exploring new patterns of interaction during conflict among married individuals in Malaysia. *Communication and Culture (ICMCC 2015)*, 30 Nov. <http://www.icmcc2015.usm.my/>
- Mohindru, T. (2022). A Gender Study on Alexithymia, Romantic Relationship ; Emotions among College Students. *International Journal of Indian Psychology*, 11(1), 675-680. <https://doi.org/10.25215/1101.069>
- Omidifar, H., Pourebrahim, T., Khoshkonesh, A., & Moradi, A. (2016). The comparison and relationship between emotional self-regulation with marital burnout and intimacy in one-career and dual-career couples in governmental offices.
- Panahi, M., kazemi jamarani, S., Enayatpour Shahrabaki, M. and rostami, M. (2018). Effectiveness of integrative behavioral couple therapy on reducing

- marital burnout and fear in couples of intimacy. *Applied Psychology*, 11(4), 373-392. doi: 20.1001.1.20084331.1396.11.4.4.7
- Polenick, C. A., Zarit, S. H., Birditt, K. S., Bangerter, L. R., Seidel, A. J., & Fingerman, K. L. (2017). Intergenerational support and marital satisfaction: Implications of beliefs about helping aging parents. *Journal of Marriage and Family*, 79(1), 131-146.
- Poursardar, F., Sadeghi, M., Goodarzi, C., & Roozbehani, M. (2019). Comparing the Efficacy of Emotionally Focused Couple Therapy and Integrative Behavioral Couple Therapy in Improving the Symptoms of Emotional Regulation in Couples with Marital Conflict. *J Mazandaran Univ Med Sci*, 29 (173), 50-63. URL: <http://jmums.mazums.ac.ir/article-1-12592-en.html>
- Pour Seyyed Aghaei Z S. Developing a Model of Marital Distress based on Communication Patterns and Attachment Styles with the Mediating Role of Resilience in Homemaker Women. *QJCR* 2025; 23 (92): 3 URL: <http://irancounseling.ir/journal/article-1-2052-fa.html>
- Rezaee H, Falahzade H, Panaghi L. Predicting Being Abused in Marital Relationships Based on Communicational Patterns and Fear of Intimacy in Married Women. *QJCR* 2023; 22 (85): 8 URL: <http://irancounseling.ir/journal/article-1-763-en.html>
- Russo, D., & Stol, K.-J. (2021). PLS-SEM for software engineering research: An introduction and survey. *ACM Computing Surveys (CSUR)*, 54(4), 1–38.
- Roustaei Alishah S, Mostafaei N. The Effectiveness of Schema Therapy on Alexithymia and Marital Conflicts in Couples with Family Differences. *JNIP* 2023; 16 (20). URL: <http://jnip.ir/article-1-923-en.html>
- Sancar, B., & Aktas, D. (2019). The relationship between levels of alexithymia and communication skills of nursing students. *Pakistan Journal of Medical Sciences*, 35(2), 489.
- Spengler, P. M., Lee, N. A., Wiebe, S. A., & Wittenborn, A. K. (2024). A comprehensive meta-analysis on the efficacy of emotionally focused couple therapy. *Couple and Family Psychology: Research and Practice*, 13(2), 81–99. [Link]
- Teixeira, R. J., Bermond, B., & Moormann, P. P. (Eds.). (2018). *Current developments in alexithymia: A cognitive and affective deficit*. Nova Science Publishers, Incorporated.
- Tabaghi, A. G. S., & Zadehmohammadi, A. The Prediction of Marital Instability Based on the Dark Triad of Personality and Couples' Communication Patterns in Married People. 20(1), 63_82. <https://doi.org/10.48308/jfr.20.1.63>
- Taylor, G. J., Bargby, R. M., & Parker, J. D. A. (2016). What's in the name 'alexithymia'? A commentary on "Affective agnosia: expansion of the alexithymia construct and a new opportunity to integrate and extend Freud's legacy." *Neuroscience and Biobehavioral Reviews*, 68, 1006–1020. doi: 10.1016/j.neubiorev.2016.05.025

- Wagner, M. (2020). On increasing divorce risks. Divorce in Europe: New insights in trends, causes and consequences of relation break-ups, 37-61.
- Yavarizadeh, P. , Rasouli, R. and Abdollahi, A. (2025). The Relationship Between Romantic Perfectionism and Marital Instability: The Moderating Role of Communication Patterns. *Social Psychology Research*, 15(57), -.
[doi: 10.22034/spr.2025.483342.2004](https://doi.org/10.22034/spr.2025.483342.2004)
- Younesi, S., Abbasi Asl, M., Khazan, K., & Kazemi, J. (2016). The effectiveness of education acceptance-commitment theory (ACT) to reducing alexithymia of divorcing women. *Quarterly journal of social work*, 5(3), 5-13.
- Zare Baghbidi, M., & Etemadifard, A. (2020). Determining the Mediating Role of Communication Skills in the Relationship between alexithymia and marital burnout of divorce client Couples in Yazd. *Social Psychology Research*, 10(38), 135-150.



© 2026 Iran Counseling Association, Tehran, This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>)